



درس فراج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۸ دی ۸۹
مصادف با: ۳ صفر ۱۴۳۲
جلسه: ۵۲

موضوع کلی: مسئله اول

موضوع جزئی: بررسی ادله منع از احتیاط

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه بحث گذشته:

بحث در دلیل هفتم بود، دلیل هفتم این بود که احتیاط مستلزم لعب به امر مولی است جایز نیست و لذا مخصوصاً در جایی که مستلزم تکرار باشد. احتیاط مستلزم لعب به امر مولی است و لعب به امر مولی قبیح است پس احتیاط هم قبیح است. این اجمال دلیل هفتم بود. بر این دلیل اشکالاتی وارد شده که دو اشکال را بیان کردیم.

اشکال سوم: کلام محقق اصفهانی

اشکال سوم به این دلیل از ناحیه مرحوم محقق اصفهانی میباشد.

مرحوم محقق اصفهانی نسبت به کلام این مستدل که مدعی است احتیاط چون مستلزم تکرار عمل است لعب و عبث به امر مولی میباشد و لذا جایز نیست. سه احتمال در مورد این کلام میدهند که این سه احتمال در واقع مربوط میشود به وجه اخلال لعب به عمل، یعنی اینکه میگویند لعب به امر مولی این لعب یک عنوان کلی میباشد که باید معلوم شود باعث چه مشکلی است و از چه ناحیهای به این عمل خلل وارد میکند؟ مرحوم محقق اصفهانی در اینجا سه احتمال ذکر میکند:

احتمال اول: احتیاط و تکرار عمل از این جهت مشکل ایجاد میکند که مضر به داعی و به قصد امر است به گونهای که در عمل احتیاطی فعل به داعی امر انجام نمیشود. اگر میگوییم احتیاط لعب به امر مولی است یعنی احتیاط باعث میشود این عمل بدون قصد امر بیاید.

احتمال دوم: این لعب در واقع به عنوان شریک در داعی است یعنی باعث میشود عامل به احتیاط دو داعی برای عمل خود داشته باشد یکی خود امر و یکی لعب.

احتمال سوم: منظور این است که خود همین عمل به خاطر تکرار عنوان لعب پیدا میکند و چون عنوان لعب قبیح است لذا این عمل قبیح شمرده میشود به همین خاطر است که ما میگوییم احتیاط جایز نیست.

در بین این سه احتمال با توجه به تقریری که از استدلال بیان کردیم، طبیعتاً احتمال اول و احتمال دوم بعید به نظر میرسد که مراد مستدل باشد و با احتمال سوم سازگارتر است. لذا خود ایشان هم اشاره میکنند که بعید است منظور مستدل احتمال اول باشد یا احتمال دوم و بیشتر احتمال سوم مراد مستدل است اما بهر حال این سه احتمالی است که در کلام مستدل میشود داد.

مرحوم محقق اصفهانی میگویند: اینکه ما میگوییم احتیاط لعب به امر مولی است باعث میشود که عمل بدون داعی و قصد امر بیاید یا باعث میشود که تشریک در داعی پیدا شود و یا اینکه نه کاری به قصد و داعی ندارد بلکه باعث میشود این عمل معنون به عنوان لعب شود و لعب هم قبیح است و لذا بواسطه قبحی که این عمل پیدا میکند ما حکم به عدم جواز احتیاط میکنیم. لذا مرحوم محقق اصفهانی هر سه احتمال را ابطال میکنند و میگویند که امر این دلیل خارج از این سه احتمال نیست و اگر هر سه احتمال را باطل کردیم طبیعتاً این دلیل خود به خود مردود میشود.

بطلان احتمال اول: میفرمایند اینکه ما بگوییم این فعل و عمل که تکرار شده این به قصد امر ضربه میزند، این خلاف فرض است چون فرض ما در باب احتیاط این است که شخص محتاط عمل خود را به داعی همان امر واقعی انجام میدهد و اگر مثلاً کسی مردد در قبله است و به چهار طرف چهار نماز میخواند آنچه که داعی برای اتیان به صلاة در چهار جهت است همان امر مولی و خداوند است. اگر این امر نبود اصلاً این شخص نماز نمیخواند و اگر از این شخص سؤال شود که چرا نماز میخوانی میگوید که چون خداوند امر کرده، اگر سؤال شود که چرا چهار تا نماز میخوانی میگوید که چون من نمیدانم امر واقعی به کدام طرف تعلق میگیرد یعنی خود این شخص محتاط در پاسخ به سؤال از اینکه چرا نماز میخوانی و داعی تو بر انجام نماز چیست میگوید امر مولی و همچنین در مورد چهار نماز خواهد گفت چون امر واقعی را نمیدانم. پس فرض ما این است که داعی شخص محتاط خود امر به صلاة است لذا اگر شما بیایید بگویید که تکرار عمل موجب ضربه به داعی امر است این خلاف فرض است و قابل قبول نیست. لعب به قصد امر لطمهای نمیزند یعنی حتی اگر بپذیریم که تکرار لعب است ولی این لطمهای به قصد امر نمیزند.

سؤال: قسمت دوم جواب شما را قبول ندارم که حتی اگر تکرار موجب لعب باشد لطمهای به قصد امر نمیزند.

استاد: یک جواب بیشتر نیست، این لعب ضربهای به قصد امر نمیزند. این فرمایش خود محقق اصفهانی میباشد. مانند اینکه گاهی نماز میخوانی ولی هدف این است که ورزش میکنید که در اینجا داعی لعب است ولی گاهی داعی شما انجام و اتیان امر مولی است و چون به یک طرف یقین ندارد به چهار طرف میخوانید اینجا داعی بر این تکرار این است که نمی - داند امر خداوند به کدام طرف متعلق شده.

بطلان احتمال دوم: از پاسخی که به احتمال اول دادیم، بطلان این احتمال نیز روشن میشود چون اگر این عمل تکرار شود و شخص احتیاط کند و مورد سؤال قرار بگیرد باز میگوید بخاطر امر مولی که احتمال تشریک در داعی خلاف فرض است. یعنی امر مولی وجود دارد و تشریک در داعی یعنی خروج از فرض و شما که میگویید که تکرار عمل موجب تشریک در داعی است این خروج از فرض است.

بعلاوه اینکه اساساً تشریک عبادت را باطل میکند و این مطلب روشن است که اگر کسی در عبادت خود تشریک داخل کند و شریک برای قصد و انگیزی خود درست کند عبادتش باطل خواهد بود. خود محتاط هم منکر این تشریک در داعی میباشد و هیچ وقت نمیگوید که این عمل را انجام میدهم به دو دلیل یکی امر شارع و دیگری لعب و عبث به امر مولی. لذا ایشان میفرماید که این احتمال هم باطل است.

بطان احتمال سوم: بیان محقق اصفهانی این است که: خود عمل عنوان لعب پیدا کند یعنی کاری به قصد و داعی نداریم بلکه چون لعب قبیح است لذا باعث میشود خود عمل عنوان قبیح پیدا کند و کسی که احتیاط میکند این تکرار او عنوان لعب پیدا میکند و اینها چون عنوان لعب و قبیح پیدا میکند لذا به عنوان امتثال قابل قبول نیستند و امتثال محسوب نمی شود. مسئله این است که عرف میبیند که این یک عملی را تکرار میکند و تکرار عمل هم به این شکل از نظر عرف لعب میباشد و لعب هم قبیح است لذا عرف میگوید که خدا را بازیچه قرار داده‌ای؟ با سؤال کردن و امتثال تفصیلی خودت را نجات بده و این امتثال نیست.

پس تکرار عمل از دید عرف لعب است و لازم نیست خود فرد قصد لعب داشته باشد، خود عمل به این شکل یک نوع لعب به امر مولی است و قبیح است. یعنی کسی که میبیند میگوید این بازیچه قرار دادن امر مولی است. اگر هم عنوان لعب پیدا کرد و قبیح آن ثابت باشد نمیتوان گفت که اطاعت امر مولی میکند. مرحوم محقق اصفهانی میفرماید در اینجا دو احتمال و دو صورت میتوان تصویر کرد:

صورت اول: اینکه بگوییم سبب لعب خود عمل است یعنی «العمل المکرر لعب»، یعنی این نماز چون تکرار میشود لعب است. طبق این بیان پس از خواندن نماز اول، نماز دوم را که خواند معنون به عنوان لعب میشود و همچنین نماز سوم و نماز چهارم عنوان لعب به آنها تعلق میگیرد. در اینجا خود چهار تا عمل ما عنوان لعب پیدا میکند و میشود قبیح و لذا امتثال محقق نیست.

صورت دوم: این است که آنچه که موجب لعب است تکریر العمل است یعنی تکرار عمل موجب لعب است نه خود عمل مکرر.

تفاوت بین دو صورت: تکریر العمل یعنی تکرار کردن عمل موجب لعب است و تا عمل تکرار نشده لعب تحقق پیدا نمیکند و بعد تکرار لعب تحقق پیدا میکند. در صورت دوم تا احتمالات بعدی را انجام ندهید لعب صدق نمیکند و بعد از فراغ از عمل آن وقت است که عنوان لعب تحقق پیدا میکند اما در صورت اول همه عملها لعب است از اول تا چهارمی لعب است. به عبارت دیگر در صورت دوم مجموع من حیث المجموع لعب است بخلاف اول.

مرحوم محقق اصفهانی میفرماید استدلال شما تکرار عمل موجب لعب است نظر به صورت اول داشته باشد سخن درستی میباشد و ما قبول داریم. اما اگر تکریر العمل باشد سخن شما اشکال دارد برای اینکه تا بعد از پایان تکرار اصلاً مشکلی برای لعب و صدق امتثال نیست و در اینجا در واقع کسی که احتیاط میکند اینچنین میباشد. به عبارت دیگر مرحوم محقق اصفهانی میفرماید که اطاعت یقینی به دو نحو حاصل میشود یا امتثال تفصیلی و یا به اتیان به احتیاط و امتثال اجمالی، حالا اتیان به دو نماز و سه نماز بستگی دارد به اینکه در چه شرایطی باشد. هم امتثال تفصیلی و هم اجمالی چون موجب یقین به تحصیل امتثال و اطاعت اوامر است هیچ کدام موجب لعب و عبث نیستند. در امتثال اجمالی و احتیاط بالاخره این شخص میداند یکی از این چهار عمل مصداق امر واقعی است اما اجمالاً میداند و دقیقاً میداند که کدام مصداق امتثال

میباشد. آنچه که موجب لعب است تکرار عمل است یعنی تکرار آن عمل باعث میشود معنون به عنوان لعب بشود. به عبارت دیگر مجموع من حیث المجموع لعب است ولی یکی از آنها حتماً مطابق با واقع خواهد بود.

نتیجه: نتیجه این است که اگر مراد تکریر العمل باشد مجموع من حیث المجموع لعب باشد تا آخرین عمل انجام نشود عنوان لعب صادق نخواهد بود لذا لطمهای هم به امثال نمیزند.

ایشان در ادامه میفرماید که همهی مطالبی که ما عرض کردیم در فرضی است که شخص متمکن امثال تفصیلی به معنای امثال علمی و یقینی باشد چون امثال تفصیلی دو فرد دارد تارة امثال تفصیلی امثال علمی و یقینی است مانند اینکه کسی در زمان حضور از خود امام معصوم سؤال کند. و تارة امثال تفصیلی علمی و یقینی نیست مانند اجتهاد و تقلید طبیعتاً این نوع یقینی نیست.

حالا میفرماید در جایی که امکان امثال تفصیلی یقینی باشد، شاید به اصطلاح جای اینکه بگوییم تکریر عمل لعب است باشد ولی جواب آن را دادیم. یعنی فرض ما تا اینجا درباره شخصی بود که متمکن از امثال تفصیلی به معنای امثال علمی و یقینی باشد مثلاً سؤال از معصوم بکند اما اگر شخص از راه اجتهاد و تقلید حکمش را بدست میآورد و فرض هم این است که یقین ندارد او را به واقع برساند در صورتی که در مورد احتیاط یقین دارد که واقع را انجام داده است. اگر اینچنین باشد و امر وی دائر بین احتیاط و اجتهاد تقلید که شاید او را به واقع برساند کدام مقدم است؟ احتیاط مقدم میباشد چون در اینجا با احتیاط به واقع میرسد.^۱

«والحمد لله رب العالمین»

۱ . بحوث فی الأصول، رساله اجتهاد و تقلید، ص ۱۸۵-۱۸۶.